

دست بیدار عمر بنوم خانم لکیر ساکنی
 پرستوی پهلوانی که نغمه کیت سرودنم و صدای سگتر را که گوی می رساند
 از این که سیدان تازه است «در ارتقای خنجر» را بران من فرستاده ام بسیار گرام
 من هم ترا ضلع دولت می دارم و شاید آن توئی که برایت در پیراب
 شستم را در جام لاله می نوشم که همین سرودن تازه ام را می فرستم و ترا از خود
 به گرامی ما بوسم به امید که از نزدیک ببینم است.

ماه و درود بیدار
 عروقه